

تکته‌ها و سرگذشت‌های خواندنی



سید جواد حسینی

روزی سید مرتضی جلو و من از پشت سر ایشان به سمت حجره می‌رفتیم، دیدیم در حجره مقفل (قفل شده) است. مرحوم کشمیری نظری به من کردند و گفتند: می‌گویند هر کس نام مادر حضرت موسی علیه السلام را بر قفل بسته ببرد، باز می‌شود؛ مادر من از مادر موسی علیه السلام کمتر نیست. آن‌گاه دست به قفل زد و گفت: یا فاطمه! و قفل باز شد. آن‌را زمین گزارده و وارد حجره

۱. باز شدن قفل با نام فاطمه علیها السلام
علامه طباطبایی از مرحوم قاضی نقل می‌کند که روزی همراه با سید مرتضی کشمیری (از اوتاد و زهاد معروف وقت که دارای حالات و مقامات و مکاشفات بوده) برای زیارت مرقد حضرت اباعبدالله از نجف به کربلای معلّی آمدیم و در یکی از حجرات مدرسه بازار بین الحرمین ساکن شدیم.

شدیم.^۱

۲. طلاب بخوانند

مرحوم آیه الله صالحی مازندرانی درباره سرگذشت خود و طلاب آن دوره می‌گوید:

«ایامی بر ما گذشت که نان حتی به اندازه بسیار کم هم فراهم نمی‌شد، اما تحمل آن برای کسانی که شیدای تحصیل علوم و معارف دینی بودند، چندان مشکل نبود. سال ۱۳۳۲ ه. ش از تهران به قم آمدم و حدود یکسال در مدرسه فیضیه اقامت داشتم و بعد به مشهد رفتم و تا سال ۱۳۳۹ ه. ش در آنجا ماندم و از لحاظ مالی سخت در مضیقه بودم.

در یک زمان، سخت گرسنه شدم و دو روز چیزی برای خوردن نداشتم. به نانوایی نزدیک فیضیه رفتم. وقتی شاطر نان را جلوی من گذاشت، چون پول نداشتم، خواستم مشکل را طوری حل کنم، به او گفتم: الآن پول خرد

ندارم، اجازه بده پولش را بعداً بیاورم. ناواگفت: پولت را بده خورد کنم. من که دستانم شل شده بود، نان را گذاشتم و سرم را به زیر انداختم و بدون آنکه چیزی بگویم، به حجره برگشتم. وضعیت طوری شده بود که جرئت نکردم از حجره بیرون بیایم؛ چون احتمال داشت از حال بروم و معلوم شود گرسنه‌ام.

مدتی گذشت. یکی از طلاب با مقداری شیرینی وارد حجره شد و بار دیگر در همان حجره که چیزی برای رفع گرسنگی نداشتم، نارنجی را که یکماه قبل خورده و پوست آن را به خاطر عطرش روی طاقچه گذاشته بودم و به خاطر هوای خشک قم، مثل سنگ شده بود، به جای

۱. مهر تابان، سید محمد حسین تهرانی، انتشارات باقر العلوم، ص ۲۲۰؛ ر.ک: ره توشه سالکان، سید مهدی شمس الدین، انتشارات قدس، اول، ۱۳۷۳، ص ۳۸.

نان خوردم تا سدّ جوع شود.»^۱

۳. خدا همه جا با شماست

ابایزید بسطامی آن گاه که در آغاز سلوک خویش برای یافتن حق تعالی از بسطام خارج شد، مردی را دید که به او گفت: ای ابایزید! در طلب چه هستی؟ گفت: خدا. آن مرد گفت: آن چیزی که در طلب آنی، در بسطام او را ترک گفתי و رها کردی. ناگهان ابایزید متنبه شد و به خود گفت که چگونه خدا را می‌طلبی، در حالی که خود خدا فرمود: ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾^۲ «هر کجا باشید خدا با شماست.»^۳

۴. اسیر نفس

سلطان ملک‌شاه سلجوقی بر حکیمی گوشه‌نشین و عارفی عزلت‌گزین وارد شد. حکیم سرگرم مطالعه بود و سر بر نداشت و به سلطان تواضع نکرد. او نیز عصبانی شد و گفت: تو نمی‌دانی که من کیستم! من آن سلطان مقتدری هستم که فلان

گردنکش را به خواری کشتم و فلان یاغی را به غل و زنجیر کشیدم و کشوری را به تصرف آوردم.

حکیم خندید و گفت: من نیرومندتر از تو هستم؛ زیرا من کسی را کشته‌ام که تو اسیر چنگال بی‌رحم او هستی. شاه با حیرت پرسید: او کیست؟ حکیم به نرمی پاسخ داد: آن نفس اماره است که من این چنین آن را کشته‌ام، ولی تو هنوز اسیر نفس اماره خود هستی و اگر اسیر او نبودی، از من نمی‌خواستی که پیش پای تو به خاک بیفتم و عبادت خدا را بشکنم و ستایش کسی را کنم که چون من انسان است.

ملک‌شاه از شنیدن سخنان عالم حکیم، شرم‌منده شد و عذر خطای

۱. أسوه صالحان، زندگینامه مرحوم آیه الله صالحی مازندرانی، محمد علی صالحی، صالحان، اول، ۱۳۸۱، صص ۶-۷.

۲. حدید/۴.

۳. فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۳۷۰، ب ۱۸۴؛ ر. ک: آئینه سالکان، ص ۹۳.

گذشته خود را خواست.^۱ امید است.

فکر در قهر الهی، عامل خوف

۵. آثار فکر کردن

تابلویی که پیش روی شماست، است.

فکر در تاریخ، عامل عبرت است.

چکیده‌ای از کلمات نورانی رسول

فکر در مخلوقات، عامل ایمان

خدا ﷺ و امامان معصومین در باره

آثار فکر کردن است:

فکر در ضعفها عامل توکل است.

فکر در نعمتها، عامل دوست

فکر در مفساد اخلاق، عامل

داشتن است.

فکر در گناهان، عامل توبه است. تهذیب است.

فکر در شدائد دیگران، عامل

فکر در دنیا، عامل زهد است.

فکر در حوادث، عامل تواضع

استقامت است.

فکر در خدمات والدین، عامل

است.

فکر در مرگ، عامل کنترل هوسها

احسان است.

فکر در پدیده‌های هستی و

و شهوات است.

زیبایی طبیعت، عامل معرفت و

فکر در عواقب، عامل مصونیت

است. خشوع است.^۲

فکر در بزرگان، عامل مقایسه و

رشد است.

۱. عبرتها در آینه داستانهها، صص ۵۷-۵۸؛

حکایات برگزیده از زندگی علما با سلاطین، ج ۱، صص ۱۳۶.

۲. همراه با نماز، محسن قرائتی، با همکاری

سید جواد بهشتی، ستاد اقامه نماز، پنجم، ۱۳۷۸، صص ۲۳-۲۴.

فکر در گذشت عمر، عامل سعی

و تلاش است.

فکر در الطاف الهی، عامل رجاء و